

اعلامیه ۷ بندی نشست قفقازی

درواشگتن



محسن پاک‌آمین

سفير سابق ايران در آذربايجان

دفتر نخست وزیر ارمنستان متن اعلامیه نشست روسای جمهور آمریکا و جمهوری آذربایجان و نخست وزیر ارمنستان در ارتباط با برقراری صلح بین ایروان و باکو را منتشر کرد. این اعلامیه که توسط سران کشورهای فوق‌الذکر امضا شده دارای هفت بند بوده و مروری اجمالی بر بندهای این اعلامیه، ما را بیشتر با مباحث مطروحه در این نشست آشنا می‌کند. در سطور اولیه این اعلامیه آمده است: «ما، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و نخست وزیر جمهوری ارمنستان، که در ۸ اگوست ۲۰۲۵ در واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا دیدار کردیم، موارد زیر را اعلام می‌کنیم. بند ۱- ما و رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ از ایالات متحده آمریکا شاهد امضای متن مورد توافق خود برای امضای موافقتنامه برقراری صلح و ایجاد روابط بین دولت‌های جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان توسط وزرای امور خارجه بودیم. در این رابطه، ما بر لزوم ادامه اقدامات بیشتر برای امضا و تصویب نهایی این موافقتنامه اذعان نموده و بر اهمیت حفظ و تقویت صلح بین دو کشورمان تأکید کردیم. **ملاحظه:** سطور انتهایی این بند نشان می‌دهد که موافقتنامه صلح بین باکو و ایروان هنوز نهایی نشده و در نشست واشنگتن طرفین بر لزوم ادامه اقدامات بیشتر برای امضا و تصویب نهایی این موافقتنامه اذعان کرده‌اند. در واقع آمریکا، مذاکرات صلح طرفین که از سال ۲۰۲۰ میلادی آغاز شده و موضوع جدیدی نیست را مصاده کرده و به نام خود، سندزده است. بند ۲- ما همچنین شاهد امضای درخواست مشترک وزرای امور خارجه جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان به سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در مورد تعطیلی روند مینسک و ساختارهای مرتبط با آن بودیم. ما از همه کشورهای شرکت‌کننده در OSCE می‌خواهیم که این تصمیم را اتخاذ کنند.

ملاحظه: باکو و ایروان مدت هاست بدون میانجی مذاکرات خود برای نهایی سازی موافقتنامه صلح را ادامه می‌دهند و به همین دلیل در این بند از سازمان امنیت و همکاری اروپا خواسته‌اند که فعالیت‌های میانجیگرانه گروه مینسک را تعطیل کنند.

گروه مینسک به ریاست آمریکا، فرانسه و روسیه در طول جنگ قره باغ، بین آذربایجان و ارمنستان، میانجیگری می‌کردند. بند ۳. ما بر اهمیت بازگشایی مسیرهای ارتباطاتی بین دو کشور جهت حمل و نقل درون کشوری، دوجانبه و بین‌المللی برای ارتقای صلح، ثبات و رفاه در منطقه و همسایگی آن بر اساس احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و صلاحیت کشورها تأکید کردیم. این تلاش‌ها شامل اتصال بدون مانع بین بخش اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان آن از طریق قلمرو جمهوری ارمنستان با مرزهای متقابل برای اتصال خطوط بین‌المللی و درون کشوری برای جمهوری ارمنستان است.

ملاحظه: در این بند به اتصال بخش اصلی جمهوری آذربایجان و نخجوان از قلمرو جمهوری ارمنستان با احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و صلاحیت و مرزهای متقابل برای اتصال خطوط بین‌المللی و درون کشوری برای جمهوری ارمنستان اشاره شده است. اجرای این بند مطالبه ارمنستان برای اتصال به کشورهای همسایه از جمله ایران در ازای بازکردن مسیر زنگرور برای آذربایجان را، عملی می‌سازد. بند ۴. جمهوری ارمنستان با ایالات متحده آمریکا طرف‌های ثالثی که مصمم به همکاری باشند، برای تعیین چارچوبی برای اجرای پروژه ارتباطی «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» در قلمرو جمهوری ارمنستان، همکاری خواهد کرد. ما عزم خود را برای پیگیری تلاش‌های همراه با حسن نیت برای دستیابی به این هدف در سریع‌ترین زمان ممکن، اعلام می‌کنیم.

ملاحظه: اجرای این بند فرصت‌هایی را برای ورود شرکت‌های آمریکایی به ارمنستان برای احداث خطوط ارتباطی از جمله مسیر زنگرور فراهم می‌سازد. امری که به دلیل اختلال در امنیت منطقه، با مخالفت جدی ایران و روسیه مواجه شده، به نفع جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان که خواهان استفاده از مسیرهای امن هستند، نخواهد بود و لذا انگارانی‌های ایران به این دو کشور اعلام شده است. زنگرور در تمامیت ارضی ارمنستان قرار دارد اما مرز ایران هم هست و طبعاً حضور آمریکا در این گذرگاه با واکنش قاطع ایران مواجه خواهد شد. بند۵. ما بر لزوم ترسیم مسیری برای آینده‌ای روشن که محدود به درگیری‌های گذشته نباشد، مطابق با منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه آلمانی ۱۹۹۱، اذعان داریم.

شرایطی برای ملت‌های ما ایجاد شده است تا سرانجام بر اساس مصونیت مرزهای بین‌المللی و عدم پذیرش استفاده از زور برای تصرف سرزمین پس از درگیری‌هایی که رنج عظیم انسانی را به همراه داشته است، به ایجاد روابط حسنه همسایگی بپردازند. این واقعیت که قابل تجدید نظر نیست، جمهوری اسلامی ایران از پایان درگیری‌های بین دو همسایه خود خرسند بوده و بر ضرورت نهایی سازی موافقتنامه صلح و برقراری ثبات در قفقاز جنوبی اذعان دارد. در عین حال اعتقاد دارد حضور هدفمند آمریکا در این منطقه، قطعاً نمی‌تواند به برقراری صلح و امنیت کمک نماید. بند۶‌ای و ۷ به تشکر از مهمان نوازی رئیس جمهور آمریکا و سهم او در پیشبرد عادی سازی روابط دو جانبه بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان پرداخته است.

نتیجه: نشست واشنگتن فرصتی بود که روسای دولت‌های آذربایجان و ارمنستان برای ترامپ فراهم آوردند تا از این فردی که شریک نسل‌کشی مردم غزه است یک چهره «صلح‌طلب» بسازند. از این باب با پشتیبانان و الهام علی‌اف در پیشگاه تاریخ و مردم خود، به خاطر این «فرصت‌سازی» و همچنین قرار گرفتن در کنار نتانیاهو برای معرفی ترامپ جهت دریافت جایزه نوبل، باید پاسخگو باشند. موسوم کردن منطقه تاریخی و فرهنگی زنگرور به نام یک جنایتکار هم خطای دیگر این دو فرد بود که هرگز مورد پذیرش مردم و کشورهای منطقه قرار نخواهد گرفت.

محسن جلیوند در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق زنگرور

پیامدهای ژئواستراتژیک

برای ایران دارد



آذربایجان در آینده نزدیک به طرح صلح ابراهیم می‌پیوندد

برای روسیه، اوکراین از منطقه قفقاز اهمیت بیشتری دارد

آرمان ملی – احسان انصاری؛ واکنش‌ها نسبت به توافق آمریکا، آذربایجان و ارمنستان روز به‌روز در ایران افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی این توافق تضعیف منافع ایران در منطقه قفقاز باشد. زنگرور به عنوان یک گذرگاه بین دریای سیاه و قفقاز جنوبی می‌تواند مسیر انتقال انرژی از آسیای مرکزی و خزر به بازارهای اروپا را تسهیل کند. این منطقه محل عبور خطوط لوله مهمی است که نفت و گاز را از آذربایجان و آسیای مرکزی به ترکیه و اروپا منتقل می‌کنند. به همین دلیل نیز تغییر مسیر این خطوط لوله یا ایجاد مسیرهای جدید از طریق زنگرور می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر امنیت انرژی منطقه داشته باشد. در چنین شرایطی ورود آمریکا به این حوزه موضوعی حساس برای تهران است و هرگونه همکاری انرژی ایران در این مسیر مستلزم حل اختلافات سیاسی میان دو

مهم‌ترین اهداف آمریکا از توافق زنگرور با ارمنستان و آذربایجان چیست؟

این توافق باعث شده ایران از یک وضعیت ژئوپلیتیکی وارد یک وضعیت ژئواستراتژیک شود. ایران در حدود ۴۶ کیلومتر با ارمنستان مرز مشترک دارد که این مرز باعث می‌شود ایران از این طریق به گرجستان و سپس به اروپا دسترسی داشته باشد. شاید اگر روزی ایران می‌خواست انرژی اروپا را تأمین کند، مسیری که از کانال زنگرور می‌گذرد، راهی برای ایران بود تا بتواند نفت و گاز خود را ابتدا به اروپای شرقی و سپس غربی صادر کند. البته این وضعیت در شرایط کنونی وجود ندارد و ایران در زمینه تأمین انرژی خود نیز با چالش مواجه است. توافقی که بین آمریکا و ارمنستان و آذربایجان صورت گرفته دسترسی ایران را به این کریدور محدود می‌کند. البته این به معنای این نیست که ایران نمی‌تواند از این کریدور استفاده کند و از نظر اقتصادی نیز زیاد تأثیر خاصی بر اقتصاد ایران ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد، مسائل امنیتی است. به هر حال آمریکا با هزاران کیلومتر در افغانستان و عراق با ایران هم مرز بود که کار خاصی انجام نداد و به همین دلیل این کریدور نیز نمی‌تواند برای ایران از نظر امنیتی چالش‌آفرین باشد. در زمینه ناتو نیز همین وضعیت وجود دارد و ترکیه سال‌هاست که عضو ناتو است اما اتفاق خاصی برای ایران رخ نداده است، پیامد مهمی که این توافق برای ایران دارد از نظر ژئواستراتژیک است که این وضعیت زیاد برای آینده ایران مناسب نیست.

چرا در حالی که این توافق مخاطرات امنیتی و اقتصادی برای ایران ندارد واکنش‌ها در ایران نسبت به این توافق زیاد بوده به شکلی که علی‌اکبر ولایتی آمریکا را بابت این توافق تهدید کرده است؟

کار دیگری جز این از دست کسانی مانند آقای ولایتی بر نمی‌آید. در یک سال اخیر جبهه مقاومت نسبت به گذشته شرایط دیگری یافته و بسیاری از رهبران خود را از دست داده است. از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل گام به‌گام در حال نزدیک‌تر شدن به مرزهای ما هستند. به همین دلیل آقای ولایتی باید به شکلی موضع‌گیری کند که آمریکا و متحدانش جلوتر از این نیایند که به نظر می‌رسد در آینده این اتفاق نیز رخ بدهد. تردیدی وجود ندارد که آمریکا و متحدانش در منطقه دیر پا زود محاصره اقتصادی ایران را تکمیل خواهند کرد. به هر حال آمریکا و متحدانش در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ایران در آن زمینه‌ها آسیب پذیرترند. آقای ولایتی نیز سال‌ها وزیر امور خارجه ایران بوده و اگر چه پیر شده، اما از این درک برخوردار است که مرزهای ایران و متحدانش در حال نزدیک‌تر شده به مرزهای ایران هستند. واقعیت این است که زمانی ایران در کنار مرزهای اسرائیل پایگاه داشت، اما در شرایط کنونی اسرائیل پایگاه‌های خود را به مرزهای ایران نزدیک کرده است.

آمریکا تاکنون در منطقه زنگرور حضور نداشته است. چه اتفاقی رخ داده که ترامپ در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده است؟ ترکیه، آذربایجان و ارمنستان چه سودی از این توافق می‌برند؟

آمریکا اهداف مختلفی را در این زمینه دنبال می‌کند. این در حالی است که آمریکا در این توافق تنها نیست و کشورهای



کشور در میان مدت یا بلندمدت خواهد بود. دالان زنگرور عمدتاً با هدف ترانزیت کالا تعریف شده، اما در مدل‌های امروزی کریدورهای بین‌المللی معمولاً چندمنظوره هستند و علاوه بر کالا می‌توانند شامل خطوط انتقال انرژی نیز باشند. در چنین شرایطی اگر ایران روزی تصمیم بگیرد در این مسیر حضور داشته باشد می‌تواند از منافع آن بهره‌مند شود. اما به طور کلی سود بیشتری نصیب آذربایجان خواهد شد و این موضوع باید در معادلات اقتصادی و ژئوپلیتیک تهران مورد توجه قرار گیرد. در شرایط کنونی وضعیت ایران به گونه‌ای است که در شمال، جنوب، شرق و غرب خطوط لوله احداث و راه‌اندازی شده و ایران به صورت جزیره محصور شده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این موضوع با دکتر محسن جلیوند استاد دانشگاه و تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌د که در ادامه می‌خوانید.

این اقدام به صورت ضربتی انجام خواهد شد. در چنین شرایطی ایران در مرزهای شمالی نیز با تهدید آمریکا مواجه شده و در یک محاصره ژئواستراتژیک قرار خواهد گرفت.

آیا هدف اصلی این توافق تضعیف منافع ایران در منطقه قفقاز نبوده است؟

یکی از اهداف این توافق تضعیف منافع ایران در این منطقه بوده است. ایران در ماه‌های اخیر برخی سنگرهای استراتژیک خود مانند سوریه را از دست داده و به همین دلیل جبهه مقابل گام به‌گام در حال نزدیک‌تر شدن به ایران هستند. به همین دلیل باید عنوان کرد که یکی از اهداف این توافق تضعیف منافع ایران بوده و نه همه اهداف.

در جنگ ۱۲ روزه مرزهای ایران و آذربایجان یکی از نقاطی بود که نیروهای اسرائیلی علیه ایران فعالیت می‌کردند. در صورتی که این منطقه در اختیار آمریکا قرار بگیرد در تنش‌ها و درگیری‌های احتمالی آینده این منطقه نمی‌تواند نقش نظامی و امنیتی برای اسرائیل داشته باشد؟

هرچند مستندات اثبات شده و قابل اتکایی وجود ندارد که اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه در مرزهای مشترک بین ایران و آذربایجان، علیه ایران فعالیت نظامی کرده، با این وجود شنیده‌ها حکایت از این دارد که احتمالاً مرزهای ایران و آذربایجان یکی از نقاطی بوده که در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل در آنجا تحرکاتی داشته است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که به احتمال زیاد در آینده نزدیک آذربایجان به طرح صلح ابراهیم خواهد پیوست. این در حالی است که آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است و نزدیک به ۸۰ درصد مردم این کشور شیعه هستند. به همین دلیل اگر این اتفاق رخ بدهد که محتمل است، شرایط بسیار پیچیده‌تر از گذشته خواهد شد.

روسیه در این توافق چه نقشی دارد؟

روسیه نقش زیادی در این توافق نداشته است. روسیه درگیر مسأله اوکراین است و اروپا برای این کشور منافع بیشتری دارد تا قفقاز. از سوی دیگر اینکه این کریدور به نتیجه برسد و یا خیر به منافع روسیه ارتباطی ندارد و از این نظر منطقه مورد اشاره برای این کشور اهمیت چندانی ندارد. به همین دلیل روسیه واکنشی به این توافق نداشته و اگر هم واکنشی داشته باشد در حد صدور بیانیه و موضع‌گیری سیاسی خواهد بود.

شما از محاصره اقتصادی ایران به واسطه این توافق صحبت کردید. قرار است به واسطه این توافق چه اتفاقاتی برای ایران رخ بدهد؟

واقعیت این است که همه کشورهای منطقه از اینکه ایران روز به‌روز ضعیف‌تر شود استقبال می‌کنند. این توافق نیز در همین زمینه بوده است. هر اقدام و تصمیمی نیز که باعث شود ایران ضعیف‌تر شود به سود آنها خواهد بود. آمریکا و روسیه نیز به این وضعیت علاقه بیشتری دارند. به همین دلیل این رویکرد را با کمترین هزینه علیه ایران ادامه خواهند داد. هدف اصلی چنین توافقاتی منزوی کردن ایران در منطقه و جهان است.

گزارش

برنامه غرب برای ساخت گذرگاه جدید

در قفقاز جنوبی

آیا ناتودر مرز ایران مستقر می‌شود؟

گذرگاه سیونیک یا «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» که تأپیش از این با عنوان کریدور زنگرور از آن یاد می‌شد، در پی بیانیه مشترک ۸ اوت ۲۰۲۵ نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، با نظارت دونالد ترامپ در کاخ سفید امضا شد، بخشی از استراتژی آمریکا برای تقویت نفوذ خود در قفقاز جنوبی و کاهش نفوذ روسیه، ایران، و چین است. این گذرگاه ۴۳ کیلومتری، که از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند، به‌عنوان بخشی از کریدور میانی برای اتصال آسیا به اروپا طراحی شده وادعا شده‌است که تحت نظارت یک کنسرسیوم آمریکایی برای ۹۹ سال توسعه می‌یابد.

زنگرور برای آمریکا و اروپا!

مسیر که عموماً از آن با عنوان «کریدور زنگرور» یاد می‌شود از نظر اقتصادی برای آمریکا و اروپا اهمیتی استراتژیک دارد، زیرا به‌عنوان بخشی از کریدور میانی، مسیری جایگزین برای تجارت بین آسیا و اروپا فراهم می‌کند که از روسیه و ایران عبور نمی‌کند. به گزارش ژئوپلیتیکال مانتیور، این کریدور با اتصال آذربایجان به نخجوان و ترکیه، هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش داده و زمان انتقال کالا از چین به اروپا را تا ۲۰ درصد کوتاه می‌کند. این امر به تقویت زنجیره تأمین جهانی، به‌ویژه در بخش انرژی، کمک می‌کند. در همین راستا به گزارش فارن پالیسی (۲۰۲۵)، آمریکا با کنترل توسعه کریدور از طریق کنسرسیوم خصوصی، نفوذ خود را در تجارت منطقه‌ای افزایش می‌دهد. این کریدور به شرکت‌های آمریکایی امکان دسترسی به منابع انرژی قفقاز و آسیای مرکزی را می‌دهد، که به کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه کمک می‌کند. حجم تجارت بیش‌بینی شده از طریق این کریدور تا سال ۲۰۴۰ به ۲۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد. در عین حال اروپا از کریدور زنگرور به‌عنوان مسیری برای دسترسی به گاز آذربایجان و آسیای مرکزی بهره می‌برد، که در پی جنگ اوکراین و تحریم‌های روسیه حیاتی است. در سال ۲۰۲۴، اروپا ۱۲ میلیارد مترمکعب گاز از آذربایجان وارد کرد، و کریدور جدید می‌تواند این حجم را تا ۲۰ درصد افزایش دهد.

کارکردهای نظامی

گذرگاه جدید در خاک ارمنستان از منظر نظامی نیز برای آمریکا و اروپا اهمیت دارد، زیرا به آنها امکان می‌دهد حضور استراتژیک خود را در قفقاز جنوبی تقویت کنند. به گزارش تهران تایمز، این کریدور به دلیل نزدیکی به مرز ایران، به‌عنوان راه‌می برای نظارت و مهار تهران به‌ویژه پس از حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵ تلقی می‌شود. زیرساخت‌های کریدور، مانند خطوط راه‌آهن و فیبر نوری، می‌توانند برای نصب تجهیزات نظارتی استفاده می‌شوند، که به آمریکا امکان رصد فعالیت‌های نظامی ایران و روسیه را می‌دهد. این امر به‌ویژه برای ناتو، که به دنبال گسترش حضور خود در قفقاز است، حیاتی است.

انتخاب پیمانکار

فرآیند انتخاب پیمانکار برای توسعه کریدور زنگرور به‌طور کامل تحت نظارت آمریکا انجام می‌شود، که نشان دهنده تلاش واشنگتن برای کنترل این پروژه استراتژیک است. طرح صلح مشخص کرد که کریدور تحت نظارت یک کنسرسیوم خصوصی آمریکایی برای ۹۹ سال توسعه و مدیریت خواهد شد. از سوی دیگر به گزارش فارن پالیسی، انتخاب پیمانکار از طریق مناقصه‌ای بین‌المللی انجام می‌شود، اما اولویت با شرکت‌های آمریکایی است که تجربه‌ای در پروژه‌های زیرساختی در مناطق حساس ژئوپلیتیکی دارند. شرکت‌های بزرگی مانند بکتل و هالپرینون که سابقه همکاری با دولت آمریکا در خاورمیانه را دارند، به‌عنوان نامزدهای اصلی مطرح شده‌اند. در همین راستا معیارها شامل توانایی مالی (حداقل سرمایه ۵ میلیارد دلار)، تجربه در ساخت راه‌آهن و خطوط لوله (مانند پروژه‌های مشابه در ترکیه و گرجستان)، و توانایی همکاری با دولت‌های محلی خواهد بود. همچنین کنسرسیوم انتخاب شده باید تضمین کند که پروژه در عرض ۵ سال تکمیل شود. گرچه کریدور تحت حاکمیت قانونی ارمنستان است، اما مدیریت عملیاتی آن به کنسرسیوم آمریکایی واگذار شده است.

حضور نظامی در کریدور

حضور نظامی مستقیم در کریدور زنگرور موضوعی بحث‌برانگیز است که در منابع مختلف به صورت متفاوت گزارش شده است. اما بیانیه سه جانبه کاخ سفید حضور نظامی مستقیم آمریکا یا ناتو در کریدور را پیش‌بینی نکرده است. با این حال، نزدیکی کریدور به مرز ایران نگرانی‌هایی را در تهران ایجاد کرده، زیرا زیرساخت‌های کریدور می‌تواند برای استقرار تجهیزات نظارتی یا لجستیکی نظامی استفاده شوند. آمریکا از طریق آموزش نظامی و تأمین تسلیحات برای آذربایجان، به‌طور غیرمستقیم حضور نظامی خود را در منطقه تقویت می‌کند. این شامل هم‌پایه‌ها و سیستم‌های دفاع هوایی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۵ است. آمریکا در پی جنگ اول قوه‌بلاغ در سال ۱۹۹۲ به بهانه حمایت از مسیحیان در مقابل شیعیان آذربایجان را تحریم تسلیحاتی کرده و هرگونه همکاری نظامی با این کشور را لغو کرده بود.

کسری تراز تجاری غیرنفتی

ب. ثبات و شفافیت در سیاست‌های ارزی و تجاری. ج. تقویت ذخایر ارزی و کاهش تورم داخلی. اگر بهبود صرفاً حاصل کنترل واردات باشد، تجربه گذشته نشان می‌دهد که با اولین شوک خارجی، تراز تجاری دوباره منفی خواهد شد. اما اگر هم‌زمان صادرات، سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه تقویت شود، ۱۴۰۴ می‌تواند نقطه شروعی برای بازسازی تعادل ارزی کشور باشد.

برده، تورم داخلی را تشدید کرده و انگیزه سرمایه‌گذاری مولد را کاهش می‌دهد. در نتیجه، ظرفیت صادرات غیرنفتی در آینده هم تضعیف می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و چشم‌انداز ۱۴۰۴

بهبود چهارماهه اول ۱۴۰۴ می‌تواند با نشانه بازگشت به تعادل باشد، یا یک وقفه موقتی ناشی از محدودیت واردات و تزریق ارز. پایداری این روند به سه عامل کلیدی بستگی دارد:

الف. تداوم رشد صادرات غیرنفتی و دستیابی به بازارهای پایدار.

ب. محدودیت یا ممنوعیت تخصیص ارز به سایر واردات. اثر کوتاه‌مدت: کاهش فشار بر نرخ ارز بازار آزاد.

اثر میان‌مدت و بلندمدت: آسیب به تولید و صادرات، افزایش قاچاق و واردات بانرخ آزاد، و تشدید کسری تراز غیرنفتی.

۵. نرخ حقیقی ارز، تورم و سرمایه‌گذاری

حتی با تثبیت نرخ اسمی دلار، اگر تورم داخلی بالا بماند، نرخ حقیقی ارز افزایش می‌یابد و ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند. این موضوع هزینه واردات را بالا

ادامه از صفحه یک

...آسیب‌پذیری در برابر

شوک‌های خارجی. افزایش تورم

وارداتی و کاهش قدرت خرید. افت

سرمایه‌گذاری مولد و فرسودگی ظرفیت تولید. وابستگی بیشتر به درآمدهای نفتی

برای تعادل ارزی.

۴. سیاست‌های ارزی و اثر آنها

کنترل نرخ ارز معمولاً دو مسیر انجام می‌شود:

الف. تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی و دارو.